

بررسی چگونگی انعکاس روابط ایران - عربستان سعودی در مطبوعات از منظر اسناد سفارت ایران در جده (1968-1978 م)*

کریم سلیمانی¹

چکیده

نیروهای نظامی بریتانیا پس از صد و پنجاه سال سلطه بر خلیج فارس، در سال‌های پایانی دهه 1960 منطقه را ترک کردند. بر اساس دکترین نیکسون که در تاریخ 25 جولای 1969 در یک کنفرانس مطبوعاتی در گوام مطرح شد، دو دولت ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت ممتاز در منطقه، این فرصت را یافتند که خلاء موجود را پر کنند. به این ترتیب منافع ملی و منطقه‌ای دو کشور همسایه، بیش از پیش به هم گره خورد. انعکاس مناسبات احتیاط‌آمیز دو کشور در مطبوعات آن‌ها، که به نوبه خود فاقد شخصیت مستقل بودند، به وضوح قابل تشخیص است. در این پژوهش به چهار رویداد «انعکاس مرگ ملک فیصل، سفر ملک خالد به ایران، مشاجره بر سر تغییر نام خلیج فارس و تأسیس خبرگزاری خلیج» در سطح مطبوعات دو کشور پرداخته می‌شود. مسأله اصلی در این تحقیق، نحوه عملکرد لایه زیرین و ناپیدایی است که در موقعیت‌های مختلف، چگونگی انعکاس اخبار و تحلیل حوادث را به مطبوعات دیکته می‌کرده‌است. یافته‌های این تحقیق، با استفاده از روش تاریخی و به کمک اسناد آرشیوی آشکار می‌سازد که در عربستان سعودی وزارت اطلاعات آن کشور و در ایران، علاوه بر دربار، وزارت امور خارجه مطبوعات را در توزیع و چگونگی انعکاس اخبار هدایت می‌کرده‌اند. واژگان کلیدی: ایران، عربستان سعودی، خلیج فارس، مطبوعات، محمدرضا پهلوی، ملک فیصل، ملک خالد.

A Study on the Representation of the Iran-Saudi Arabian Relationship in the Saudi Press, Based on Documents of Iran Embassy in Jidda 1968-1978

Karim Soleimany²

Abstract

British armed forces, after a 150-year long invasion of the Persian Gulf, finally left the area in the late 1960's. According to Nixon doctrines mentioned in the press conference on the 25th of July 1969 in Guam, the two governments of Iran and Saudi-Arabia, as the two major forces in the region, were able to fill the power void in the Persian Gulf. Thus, the mutual benefits of these two bordering countries become more important than ever. The overly-cautious representation of such matters in the press and media of both countries, both of which possessed no identity independent of the other, is clearly visible. In this article four events, which are the death of Malek-e-Fazil, Malek-e-Khaled's trip to Iran, negotiations on the alteration of Persian Gulf's name, and the establishing of the Gulf's news media, will be studied in the press and media of both countries. The main issue of this article is the underlying structures that dictated the representation of such matters in the media. The results of this article, which has been undertaken in the historical method using archived documents, show that in Saudi Arabia the representation of such matters was led by the Ministry of Information, and in Iran this was dictated by Mohammad Reza Shah I and then by the Ministry of Foreign Affairs.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, Persian Gulf, Press, Mohammad Reza Shah, Malik Faisal, Malik Khalid.

¹. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی * تاریخ دریافت: 1388/10/14 تاریخ پذیرش: 1389/6/17

². Assistant Professor, Department of History Shahid Beheshti University (Shahid Beheshti University, G.C.) Email: Soleimany_k@yahoo.com

مقدمه

نقش دو کشور ایران و عربستان سعودی در سال‌های پایانی دهه شصت و کل دهه هفتاد قرن بیستم، به عنوان دو سرپل نفوذ غرب در منطقه برای حفظ امنیت آبراه نفتی خلیج فارس، حفظ ثبات سیاسی منطقه و کشورهای طرفدار غرب، ممانعت از نفوذ کمونیسم، و پاک کردن منطقه از جنبش‌های چپ‌گرایانه، ایجاد می‌کرد که در روابط خارجی خود نسبت به یکدیگر همواره جانب احتیاط را رعایت کنند. از این‌رو، انعکاس روابط آن‌ها در مطبوعاتشان، بیش‌تر، از پیش تعیین شده و در نتیجه شکلی تصنعی داشته‌است. به سخن دیگر، این انعکاس حاصل تضارب آراء میان دو جامعه باز نبوده و هرگاه مطبوعات به این سمت میل می‌کرده که حوادث را آن‌چنان که هست منعکس کند، بی‌درنگ از سوی دولتمردان، به سمتی که باید، هدایت می‌شده‌است. در واقع میزان گستردگی فضا برای مطبوعات را دولت‌ها تعیین می‌کرده‌اند. بر اساس سندی که از وزارت امور خارجه ایران خطاب به نخست وزیر وقت صادر شده‌است، شاه مقرر کرده‌بود که اخبار مربوط به صحبت‌های جمال عبدالناصر علیه ایران و پشتیبانی او از ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی، در مطبوعات ایران انتشار یابد.³ به عبارت دیگر، متناسب با مصالحی که شخص شاه تشخیص می‌داده، مطبوعات اجازه فعالیت می‌یافته‌اند. برای مطبوعات سعودی وضع بهتر از این نبود. سفارت ایران در جده نظر یاد شده را در گزارش‌های سالیانه 1348 به عنوان یک قاعده بیان می‌کند:

مطبوعات در عربستان سعودی وضع خاصی دارد که مستقیماً از طرف وزارت اطلاعات این کشور اداره می‌شود. خوشوقتانه روابط ایران و عربستان سعودی به قدری حسنه و مودت‌آمیز است که تا کنون هیچ‌گونه مقاله یا خبر و یا اشاره نامطلوبی در جراید عربستان نسبت به ایران مشاهده نشده‌است. در جراید غالباً اخبار ایران و مخصوصاً آن‌چه مربوط به پیشرفت‌های سریع اقتصادی و عمرانی است، درج می‌شود و تقریباً قرار کار چنین است که جراید ایران و عربستان متقابلاً اخبار دو کشور را منتشر نمایند.⁴

نویسنده در تحقیق حاضر بر آن است که دریابد، اخبار مربوط به دو کشور ایران و عربستان سعودی از چه مجاری و با چه کیفیتی به مطبوعات آنان می‌رسیده‌است؟ در واقع،

³. مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، رده 380-32-955 الف، ثبت 266.

⁴. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 16/1، پرونده 15، سند 3759-12/3-1348، ص 5.

سفارت ایران در عربستان سعودی بوده است که معمولاً اخبار مربوط به ایران را به مطبوعات سعودی می‌داده‌است. در عربستان سعودی، وزارت اطلاعات، و در ایران علاوه بر دربار، وزارت امور خارجه بر چگونگی انعکاس اخبار در روزنامه‌های خود، نفوذ تعیین کننده‌ای داشته‌اند. به همین دلیل مهم‌ترین منابع در این پژوهش، لاجرم اسناد وزارت امور خارجه ایران و به‌ویژه اسناد صادره از سفارت ایران در جده است. از ویژگی‌های مهم این اسناد، این است که گزارشگر منظم و جامع اخبار مربوط به ایران در سطح مطبوعات عربستان سعودی است و دسترسی به اسناد سفارت ایران در جده⁵ پژوهنده را از رجوع مستقیم به آرشیو روزنامه‌های عربستان سعودی بی‌نیاز می‌کند؛ که اگرچه کاری غیر ممکن نیست، بلکه دشوار می‌نماید. با وجود این، در حد ضرورت، به برخی از مطبوعات زمان مورد نظر به صورت مستقیم نیز رجوع شده‌است.

اسناد استفاده شده در مقاله حاضر، تاکنون نه منتشر شده و نه مورد استفاده محققان قرار گرفته‌است. البته مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وابسته به وزارت امور خارجه ایران در سال 1379، مجموعه‌ای از *اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (1357-1304 ش)* را به کوشش علی محقق به چاپ رسانده‌است. اسنادی که در این مجموعه گردآوری شده، معمولاً بدون ارتباط منطقی با یکدیگر و به‌گونه‌ای گزینشی کنار هم قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر هر مورد از این اسناد بیان‌کننده حادثه‌ای است که پی‌گیری آن حادثه تاریخی در این‌جا امکان‌پذیر نیست، زیرا از حادثه یاد شده، تنها یک برگ سند چاپ شده‌است. از اسنادی که توسط نگارنده در مقاله پیش رو استفاده شده، صرفاً سه یا چهار برگ آن در کتاب پیش‌گفته، آمده‌است. نگارنده با مراجعه مستقیم به آرشیو وزارت امور خارجه ایران، از اصل آن‌ها تصویر برداشته‌است.

با توجه به شیوه اداره مطبوعات ایران و عربستان سعودی، انعکاس مناسبات آن دو دولت در مطبوعاتشان منطبق با سیاست‌های کلی این دو کشور در عرصه مناسبات منطقه‌ای و متناسب با جایگاه آن‌ها در نظام دو قطبی جهان در عصر جنگ سرد بود. مرور مختصری به گزارش‌های سالیانه سفارت ایران در عربستان سعودی حقیقتی را که بدان اشاره شد، کاملاً آشکار می‌نماید. این سفارت در گزارش‌های سال 1351 در ارتباط با انعکاس جشن‌های

⁵. لازم به یادآوری است که پایتخت عربستان سعودی تا سال 1976 در جده قرار داشت، سپس به ریاض انتقال یافت. نک: مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 27/1، پرونده 34، سند 2535/5/20-2003/12/800.

بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب شاه و مردم⁶ در جراید سعودی گزارش می‌دهد: «با ارباب مطبوعات جده و بعضی شهرهای دیگر عربستان سعودی تماس حاصل و اصول انقلاب و نتایج درخشان آن برای‌شان تشریح شد. در نتیجه، همه جراید این کشور بدون استثناء در هفته بزرگداشت دهه انقلاب، مقالات مفصلی درباره گذشته پرافتخار و عصر تابناک کنونی و آینده درخشان ایران منتشر نمودند.»⁶ در گزارش دیگری، پس از ذکر مورد فوق، بر «نمونه» بودن روابط دو کشور تأکید شده است: «در هر مناسبت مقالاتی در این جراید منتشر شده است که بیش از انتظار سفارت بوده است. این جراید امسال، حتی یک بار هم، مقاله غیر دوستانه‌ای منتشر ننموده‌اند.»⁷

گزارش‌های سفارت ایران در عربستان سعودی در سال 1353، نیز، نشان می‌دهد که مهم‌ترین منبع اخبار و اطلاعات مطبوعات کشور عربستان سعودی درباره ایران، سفارت ایران در این کشور بوده است. بنابراین، می‌توان کیفیت انعکاس مسائل مربوط به ایران را در مطبوعات سعودی حدس زد:

روابط دوستانه مطبوعات عربستان سعودی با سفارت شاهنشاهی کماکان برقرار است و همین امر موجب گردیده است، اخبار و اطلاعاتی که در اختیار آنان گذارده می‌شود به نحو بسیار مطلوبی منتشر گردد. کما این که رهبری عالی و خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر همواره مورد بحث مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های عربستان سعودی است. اختصاص دادن مبالغ هنگفتی برای کمک به کشورهای فقیر و در حال رشد، کمک‌های سخاوتمندانه ایران به مصر و سوریه و اردن و... از جمله مطالبی است که به نحو گسترده‌ای در مطبوعات و رادیو تلویزیون این کشور منعکس گردیده است.⁸

در مواقعی که، بنا به هر دلیلی، تنشی در روابط ایران و عربستان سعودی پیش می‌آمد، مطبوعات دو کشور، به‌خصوص سعودی‌ها، جانب احتیاط را از دست نمی‌دادند. در اواخر آذرماه سال 1355 (اواخر دهه دوم دسامبر 1976)، چهل و هشتمین کنفرانس وزیران کشورهای اوپک در قطر برگزار شد و دولت عربستان سعودی در این کنفرانس در برابر دیگر اعضا

⁶ همان، کارتن 20، پرونده 14، سند 1351/11/11-3369، ص 3.

⁷ همان، کارتن 20، پرونده 14، [گزارشات] سالیانه 1351، ص 29-30 (در این اسناد، جمع واژه گزارش به همین صورت به کار رفته است).

⁸ همان، کارتن 22، پرونده 21، سند 1353/11/9-3654.

اوپک موضع تکررانه‌ای اتخاذ و بر پنج درصد افزایش بهای نفت پافشاری کرد، درحالی‌که ایران و دیگر اعضاء بر ده درصد افزایش قیمت نفت به توافق رسیده‌بودند. این امر موجب شد که وسائل ارتباط جمعی ایران، سیاست‌های نفتی این کشور را به شدت مورد انتقاد قرار دهند.⁹ با وجود این، مطبوعات سعودی در قبال حملات مطبوعات ایران سکوت اختیار کرده و فقط به گله‌گزاری اکتفا کردند.¹⁰

سفارت ایران در جده سعی می‌کرد با فراهم آوردن وسایل سفر روزنامه‌نگاران سعودی به ایران، رابطه خود را با مجامع مطبوعاتی این کشور استحکام ببخشد. از این‌رو، محمد صلاح‌الدین - روزنامه‌نگار معروف سعودی و سردبیر روزنامه‌المدینه (چاپ جده) - را برای شرکت در جشن‌های بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب شاه و مردم¹¹ به ایران دعوت کرد. وی در 28 دی ماه 1351 / 18 ژانویه 1973 به ایران آمد و یک هفته اقامت کرد¹¹ و پس از بازگشت از ایران مقاله مفصلی با عنوان «روابط اعراب و ایران» در روزنامه‌المدینه نوشت (10 بهمن 1351 / 30 ژانویه 1973).¹² صلاح‌الدین در آغاز مقاله، برداشت خود را از دیدار ایران با دید مثبت توضیح داده‌بود:

هر کس می‌تواند به آسانی و با یک دیدار کوتاه از ایران و با مطالعه بسیاری از گزارش‌های مطبوعاتی جهان پیرامون پیشرفت‌های مختلف آن کشور پی ببرد که نظرات اعراب در مورد ایران اکثراً با واقعیت وفق نمی‌دهد و از روی احساسات و کوتاه‌نظری و بدون مطالعه و دور از حقایق صورت می‌گیرد. می‌توان گفت مطالب در بسیاری از مطبوعات عرب درباره کشور برادر ایران به قلم کسانی است که احساس مسئولیت نمی‌نمایند و از امانت و صداقت بدورند و منظور آن‌ها از این کار معلوم است.¹³

نویسنده در ادامه مقاله خود با اشاره به یک اقلیتی از ایرانیان که به برتری فرهنگ و ملیت خود نسبت به فرهنگ اعراب و اسلام¹³ باور دارند، معتقد است که اقلیتی مشابه در

⁹ همان، کارتن 26/1، پرونده 12، سند 2535/11/20-100/4/5060 (گزارشات سالیانه 1355).

¹⁰ همان.

¹¹ همان، کارتن 20، پرونده 14، گزارشات سالیانه 1351، ص 29.

¹² همان، کارتن 20، پرونده 14، سند 1351/11/11-3369، ص 2-1. این مقاله در تاریخ 31 ژانویه 1973 (11 بهمن 1351) در نشریه انگلیسی‌زبان جده 'REPLICA' نیز منتشر شد و بنا به ارزیابی سفارت ایران در جده این مقاله، «مورد توجه غالب محافل سیاسی و مطبوعاتی داخلی و خارجی قرار گرفت.» همان، کارتن 20، پرونده 14، گزارشات سالیانه 1351، ص 4.

¹³ همان، کارتن 20، پرونده 14، سند 1351/11/10-3407، ص 1.

بسیاری از کشورهای عربی نیز وجود دارد که «پاره ای از آن‌ها دعوت به فرعونیت و بعضی دیگر دعوت به فینیقی بودن می‌نمایند و عده‌ای دیگر دعوت به استفاده از لهجه‌های عامیانه و حروف لاتین می‌کنند و همه این‌ها نسبت به اعراب و اسلام کینه دارند.»¹⁴

صلاح‌الدین در ارتباط با مشکل ارضی میان ایران و اعراب، راه میانه‌ای را در پیش گرفته و توضیح می‌دهد که اگر چه ایران نسبت به «تصرف بعضی از جزایر عربی» سیاست خود را دارد ولی نباید فراموش کرد که عرب‌ها نیز «بین خود اختلاف‌های ارضی و مرزی دارند به حدی که به زد و خورد کشیده‌است.»¹⁵ وی در ادامه، ادعاهای ارضی دولت عراق نسبت به همسایگانش را به‌عنوان مصادیق سخن خود می‌آورد: «آیا عراق در زمان حکومت قاسم به ادعای مالکیت کویت برخاست؟ تا چندی پیش، نیز، بعضی‌ها قسمتی از خاک ایران را که عربستان می‌نامند مطالبه می‌نمودند و نیز اختلاف‌های مرزی بین برادران عرب همچنان تاکنون لاینحل مانده، به حدی که تسویه آن برای میانجیگران مشکل شده‌است.»¹⁶

صلاح‌الدین سپس به روابط ایران با اسرائیل اشاره می‌کند که ایران مانند بسیاری از کشورهای اسلامی در آسیا و آفریقا با «صهیونیزم» مناسباتی دارد. وی اعراب تندرو را از تفسیر مبالغه‌آمیز درباره روابط ایران و اسرائیل پرهیز داده و آنان را به صبوری و رعایت احترام متقابل دعوت می‌کند. به گمان وی دشمنی و تشّت در میان جهان اسلام به «صهیونیزم» امکان داده که دو بار ملت عرب را شکست بدهد و بدین وسیله درهای جهان اسلام به روی آن باز شود.»¹⁷

صلاح‌الدین در راستای متقاعد کردن خوانندگان خود برای ایجاد حس همگرایی در جهان اسلام به سیاست توسعه‌گرایی اسرائیل می‌پردازد. اسرائیل تا قبل از سال 1956 به‌جز کشور لیبیا، که با فشار امریکا به قطعنامه تقسیم فلسطین در سال 1947 رأی داد، با کشورهای قاره آفریقا روابطی نداشت. این در حالی است که این کشور از سال 1956 تا ژوئیه 1967، قاره آفریقا را از لحاظ سیاسی، نظامی، و اقتصادی به تصرف خود درآورد و در همین زمان «نژاد پرستان که ملت عرب را از هم پراکنده کردند و با اسلام دشمنی ورزیدند، نتوانستند

¹⁴. همان، ص 2.

¹⁵. همان.

¹⁶. همان.

¹⁷. همان.

دوستی دشمنانی را که خود را به دامن آنان افکندند از قبیل شوروی، کوبا و یوگسلاوی، جلب کنند.¹⁸

مقامات سفارت ایران در عربستان سعودی برای سفر این روزنامه‌نگار سعودی به ایران ارزش بسیار قائل بودند و به اثربخشی آن امید داشتند. چنان که گزارش داده‌اند: «دعوت و پذیرائی از این قبیل نویسندگان معروف و زبردست، اگر توأم با برنامه‌های حساب شده و منظم قبلی باشد یقیناً اثر مطلوب خواهد داشت.»¹⁹

این تنها سفارت ایران نبود که، با جلب توجه روزنامه‌نگاران سعودی، سعی می‌کرد مجاری اطلاعاتی مطبوعات سعودی را حتی‌الامکان به نفع سیاست‌های رسمی دولت ایران هدایت کند، بلکه کوشش‌های مشابهی نیز از طرف سعودی‌ها انجام می‌شد. اگر چه وسعت این کوشش‌ها در حد تلاش‌های سفارت ایران در جده نبود. به عنوان مثال، نصراله شیفته و داود امینی - روزنامه‌نگاران ایرانی - در خرداد ماه سال 1351 بنا به دعوت وزارت اطلاعات عربستان سعودی به جده و ریاض مسافرت کرده و با مقامات وزارت اطلاعات و اصحاب مطبوعات سعودی مذاکراتی به عمل آوردند.²⁰ هم‌چنین در موسم حج این سال، سه تن از خبرنگاران رادیو و تلویزیون ایران میهمان وزارت اطلاعات عربستان سعودی بودند و با استفاده از امکاناتی که این وزارتخانه برای آن‌ها فراهم کرده بود، به تهیه خبر پرداختند.²¹

نظر به این‌که مطبوعات دو کشور از آزادی کامل برخوردار نبودند، در این‌جا صرفاً چهار رویداد که به‌طور گزینشی انتخاب شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر چه در مطبوعات ایران، حوادثی چون مرگ ملک فیصل و یا جانشینی ملک خالد به صورت مثبت و همدلانه انعکاس یافت، با وجود این، همین مطبوعات در موارد مربوط به 'تغییر نام خلیج فارس' و یا 'تأسیس خبرگزاری خلیج' متناسب با سیاست‌های دولت ایران شدیداً انتقادی برخورد کردند. بنابراین، در کلیه موارد یاد شده در بالا، چه در موارد موافق چه در موارد انتقادی، مطبوعات ایرانی در راستای دستورالعمل‌های دولت متبوع خود، به نشر و تحلیل حوادث اقدام کردند.

¹⁸. همان، ص 3.

¹⁹. همان، همان سند.

²⁰. همان، ص 29.

²¹. همان، همان سند.

مرگ ملک فیصل

ملک فیصل پسر عبدالعزیز پسر عبدالرحمن الفيصل السعود، در روز 5 فروردین 1354 / 25 مارس 1975 بر اساس گزارش رادیو ریاض توسط یکی از برادر زادگان خود، به نام فیصل بن مساعد، در قصر او در ریاض به قتل رسید.²² قاتل در حالی که به حضور ملک فیصل بار یافته بود، با اسلحه «کمری کالیبر 0/38» سه گلوله مرگ‌آور را به وی شلیک کرده و پادشاه عربستان سعودی را به قتل رساند.²³

جامعه مطبوعاتی ایران، مرگ ملک فیصل را با اظهار تأسف بسیار منعکس کرد. زیرا، در دوران پادشاهی او روابط ایران با عربستان سعودی از رشد چشم‌گیری، نسبت به عصر پیش از او، برخوردار شده بود. در این‌جا، از میان مطبوعات آن روز ایران، صرفاً به انعکاس خبر فوق در دو روزنامه اطلاعات و کیهان پرداخته می‌شود، که پر تیراژتر از دیگر روزنامه‌ها و نشریات همزمان خود بودند.

روزنامه کیهان بر این نظر بود که «فقدان ملک فیصل خلأی ایجاد کرده که برآورد دامنه‌های آن هنوز آسان نیست. آن چه که فقدان ملک فیصل را محسوس‌تر می‌کند، این است که با شکست مأموریت کیسینجر²⁴ و مرگ ملک فیصل خاورمیانه بار دیگر بر سر یک دو راهی قرار گرفته است.»²⁵

بنا بر روزنامه اطلاعات، درگذشت نابهنگام ملک فیصل «چنان دور از انتظار و غیر مترقب بود که به دنبال پخش آن از رادیو ایران گروه‌های مختلف مردم به‌ویژه نمایندگان سیاسی مقیم دربار شاهنشاهی برای آگاهی از چند و چون کامل این رویداد بزرگ و تکان دهنده، با روزنامه اطلاعات تماس گرفتند.»²⁶

دوران اشتغال محمد حسین مشایخ فریدنی به عنوان سفیر ایران در عربستان سعودی هم زمان با به قدرت رسیدن ملک فیصل بود. روزنامه اطلاعات از قول مشایخ فریدنی روابط ایران و عربستان سعودی را، در عصر ملک فیصل، چنین ارزیابی می‌کند: «آغاز سلطنت

²² Archiv der Gegenwart vom 29. Maerz 1975, S. 19343.

²³ David Holden and Richard Johns, *Die Dynastie der Sauds. Wüstenkrieger und Weltfinanziers* (Düsseldorf/Wien: ECON Verlag, 1983), S. 355.

²⁴ Henry Alfred Kissinger وی پنجاه و ششمین وزیر امور خارجه آمریکا از سال 1973 تا 1977 بود.

²⁵ کیهان، شماره 9، 9521، فروردین 1354، ص 6.

²⁶ اطلاعات، شماره 6، 14666، فروردین 1354، ص 1 و 6.

فیصل، فصل تازه‌ای در روابط ایران و عربستان سعودی را نیز آغاز کرد. ملک فیصل پس از رسیدن به اورنگ عربستان سعودی اولین مسافرت خارجی خود را در مقام پادشاهی مملکتش با سفری به ایران انجام داد. همین سفر... مقدمه حل بسیاری از مشکلات و مسائل خاورمیانه، به‌ویژه در خلیج فارس، بود و تحول دامنه‌داری را در روابط ایران و عربستان سعودی، و به‌طور کلی دیگر اعراب پدیدار ساخت.²⁷

مشایخ فریدنی، ملک فیصل را علاوه بر ویژگی‌های مثبت سیاسی، صاحب توانمندی‌های ادبی، نیز، می‌داند: «ملک فیصل شعر می‌سرود، شعرهای ناب، استوار و پر مایه. همین شعرهای ناب ملک فیصل را در شمار شعرای بزرگ عرب جای داد... . ملک فیصل نه تنها به عربی که به زبان قبلی نیز شعر می‌سرود.»²⁸

با همان شدتی که روزنامه‌های سعودی به انعکاس غلوآمیز پیشرفت‌های ایران می‌پرداختند، روزنامه کیهان نیز دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی عصر فیصل را به گونه‌ای غلوآمیز بیان می‌کرد: «کار توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور که به دست ملک فیصل آغاز شد، نقطه ختمی بر روزگاری گذاشت که پادشاه عربستان سعودی جز خرج کردن بیهوده پول‌هایی که از راه نفت بدست می‌آورد، نگرانی دیگری نداشت. ملک فیصل با این پول صدها کیلومتر جاده، صدها مدرسه و ده‌ها درمانگاه و بیمارستان و فرودگاه ساخت...، لذا پادشاه جدید چاره‌ای جز ادامه راهی که ملک فیصل در پیش گرفته بود، ندارد.»²⁹

سفر ملک خالد به ایران

بر اساس دعوتی که محمد رضا پهلوی از ملک خالد کرد، پادشاه عربستان سعودی از سوم تا ششم خردادماه 1355 (24 تا 27 مه 1976) به‌طور رسمی از ایران دیدار کرد.³⁰ در جریان این

²⁷. همان.

²⁸. همان.

²⁹. کیهان، شماره 9521، 9 فروردین 1354، ص 6.

³⁰. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 26/1، پرونده 11، سند 104-2535/2/26؛ علی محقق، اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (1304-1357 ه-ش)، (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی [وزارت امور خارجه ایران]، 1379)، سند شماره 69، ص 148.

سفر، روزنامه‌های سعودی همانند روزنامه‌های ایرانی به نکاتی که باید میان رهبران دو کشور مورد بحث قرار گیرد، اشاره کردند. روزنامه انگلیسی‌زبان عرب نیوز چاپ جده نوشت:

در ارتباط با روابط جدید ایران - اعراب، عربستان سعودی نقش یک قابله را بازی کرده است و طبیعی است که از هر گونه امور غیر ضروری بپرهیزد. گفتگوهای ملک خالد و شاه در هفته آینده قادر خواهد بود که به مناسبات ایران و اعراب شرایط مساعدی را برای سال‌های آتی عرضه کند. و چنان‌چه یکی از طرفین به بخشی از روابط ایران - اعراب انتقاد کرد، نباید این امر بد تلقی گردد. به عبارتی دو طرف نباید خودشان را تا حد امور عادی محدود کنند.³¹

مجله الیمامه چاپ ریاض در شماره 21 مه 1976 (31 اردیبهشت‌ماه 1355) ادعا کرد که سفر خالد به ایران یک سفر تشریفاتی نیست، بلکه این سفر به منظور تحصیل پشتیبانی و تأیید کشور اسلامی بزرگ چون ایران است.³² روزنامه رستاخیز چاپ تهران نوشت، ناظران برای مذاکراتی که بین رهبران ایران و عربستان سعودی انجام می‌گیرد اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. زیرا، هر دو رسالتی خطیر در حفظ امنیت و آرامش و صلح منطقه به عهده دارند. در اوپک نقش دو کشور شاخص است و در منطقه‌ای که به دلایل سوق‌الجیشی و منابع عظیم نفتی در مرکز توجه و سیاست جهان قرار دارد، سیاست‌هایی که توسط رهبران دو کشور اتخاذ می‌شود، با اهمیت دنبال و پی‌گیری می‌شود.³³

روزنامه‌های سعودی در آخرین روز دیدار ملک خالد از ایران، اشاراتی کلی به محتوای مذاکرات سران دو کشور داشتند. المدینه در 27 مه 1976 (6 خردادماه 1355) نوشت، روح برادری و اسلامی در مذاکرات پادشاه ایران و ملک خالد، علایق مشترک دو کشور و امنیت خلیج فارس را تضمین خواهد کرد.³⁴ روزنامه عرب نیوز با اشاره به مذاکرات سران ایران و عربستان سعودی تأکید کرد که امنیت خلیج فارس و اوضاع لبنان محور مذاکرات شاه با ملک خالد بوده است.³⁵ روزنامه البلاد در تفسیر خود در همین روز، چنین نتیجه گرفت که دنیای اعراب و مسلمانان کاملاً مطمئن است مذاکرات تهران نه تنها منجر به تقویت علایق دوستی

³¹. Arab News, May 18. 1976.

³². خبرگزاری پارس، بولتن 65 (2535/3/3)، ص 7.

³³. روزنامه رستاخیز، شماره 223، 4 خرداد 2535، ص 1 و 21.

³⁴. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 26/1، پرونده 11، سند 966 - 2535/3/6.

³⁵. همان.

دو کشور خواهد شد، بلکه باعث تقویت قدرت و نیروی منطقه خلیج فارس نیز خواهد گردید.³⁶

مسئله لبنان بخشی از مذاکرات شاه و ملک خالد را تشکیل می‌داد؛ بنابراین، این مذاکرات مورد توجه روزنامه‌های لبنان نیز واقع شد. روزنامه‌های *المحرر و السفير* به نقل از روزنامه *عکاظ* نوشتند که شاه ایران تاکید کرد چنانچه کشورهای عربی هم زمان با خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی، این کشور را به رسمیت بشناسند متحمل هیچ گونه زبانی نخواهند شد. زیرا که موجودیت اسرائیل یک واقعیت انکارناپذیر است.³⁷ روزنامه *الكفاح العربي* که به سیاست‌های لیبی متمایل بود، نوشت که ملک خالد هیچ‌گونه واکنشی نسبت به اظهارات پادشاه ایران، در ارتباط با لزوم شناسایی موجودیت اسرائیل نشان نداد و بدین ترتیب روشن شد که دولت عربستان سعودی حقیقت روش سیاسی خود را نسبت به اسرائیل پنهان می‌کرده‌است. زیرا، این دولت ادعا می‌کرده که مخالف به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل است.³⁸

یک ماه پس از سفر خالد به ایران، نشریه اسرائیلی *Middle East Intelligence Survey* دستاوردهای این سفر را ارزیابی کرد. بنا بر نظر روزنامه یاد شده، سه موضوع عمده‌ای که در این سفر مورد مذاکره قرار گرفت، مؤید این نکته است که ملک خالد و پادشاه ایران راجع به امور مختلف خلیج فارس به نوعی تفاهم کلی رسیده‌اند، اما، این تفاهم به نتیجه‌ای قاطع یا هیچ‌گونه موافقت‌نامه‌ای منجر نشد. سه موضوع مورد مذاکره پادشاهان ایران و عربستان سعودی از قرار زیرند:

1. بها و میزان استخراج نفت که مهم‌ترین مسئله مورد اختلاف طرفین بود.
2. دفاع منطقه‌ای؛ اگرچه رهبران دو کشور از فکر همکاری منطقه‌ای استقبال کردند و ملک خالد اعلام داشت که هیچ‌گونه «همکاری» در خلیج فارس نمی‌تواند بدون شرکت ایران مثمر واقع شود، اما پادشاه عربستان سعودی بر خلاف تمایلات ایران به برقراری همکاری نظامی موافقت نکرد، در حالی که شاه ایران آمادگی کشورش را برای شرکت در هر نوع همکاری که از طرف کشورهای ساحلی خلیج فارس پیشنهاد شود، اعلام و عدم تمایل خود را برای وارد کردن اسلحه اتمی به حوزه خلیج فارس تکرار کرد.

³⁶. همان.

³⁷. همان، کارتن 26/1، پرونده 11، سند 302 - 2535/3/7.

³⁸. همان.

3. شورش ظفار؛ بدون شک ملک خالد طی دیدار خود از ایران کوشید تا شاه را متقاعد سازد که می‌توان به جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) اعتماد کرد و تنها مانع حل مسئله ظفار، حضور نیروهای ایرانی در آن‌جاست. فشار عربستان سعودی برای تخلیه ظفار از نیروهای ایران نه تنها به مناسبت برقراری روابط سیاسی بین آن کشور و یمن جنوبی است، بلکه همچنین ناشی از یک سیاست سنتی است که به موجب آن عربستان سعودی مایل است از هر گونه دخالت خارجی در شبه جزیره عربستان جلوگیری و تمام آن خطه را تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در آورد.³⁹

این مقاله همچنین به احداث یک خط لوله نفتی اشاره دارد که در دیدار ملک خالد از امیر نشین‌های خلیج فارس در ماه مارس 1976/11 اسفند 1354 - 11 فروردین 1355، مورد بحث قرار گرفت. این خط لوله علاوه بر نفت میدان‌های نفتی شرق عربستان، نفت امیرنشین‌های خلیج فارس را نیز به بنادر کشور عربستان در دریای سرخ انتقال می‌داد. به این ترتیب، با تغییر مسیر انتقال نفت عربستان، وابستگی این کشور به تنگه هرمز که در تحت نظارت دولت ایران بود، کاهش می‌یافت. عربستان و کشورهای عربی منطقه، به این خط لوله به عنوان یک طرح عربی انتقال نفت نگاه می‌کردند. به باور نویسنده مقاله، این امر با سیاست‌های اعلام شده عربستان سعودی در همکاری‌های منطقه‌ای این کشور با ایران در حوزه خلیج فارس، مغایرت داشت.⁴⁰

یکی از مواردی که روابط ایران را با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، خارج از مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی، تیره می‌ساخت و در نتیجه انعکاس بسیار جدی در مطبوعات ایران ایجاد می‌کرد، مسئله مشاجره خیز تغییر نام خلیج فارس بود.

مشاجره بر سر تغییر نام خلیج فارس

اعراب منطقه، به جای استفاده از نام تاریخی خلیج فارس، در بعضی موارد، ترکیب مجعول «خلیج عربی» را که در واقع نام تاریخی دریای سرخ (بحر احمر) است و نه خلیج فارس، به کار می‌بردند.⁴¹ کشور عراق در این زمینه از دیگر کشورهای عربی بیش‌تر افراط می‌کرد.

³⁹. همان، کارتن 26/1، پرونده 11، سند 1568 - 2535/4/4.

⁴⁰. همان.

⁴¹. در کتاب *حدود العالم مربوط به قرن چهارم قمری* (10 م) چنین آمده است: «خلیجی دیگر هم بدین پیوسته برود به ناحیت شمال، فرود آید تا حدود مصر و باریک گردد تا آنجا که پهنای او یک میل گردد. آن را خلیج عربی خوانند و خلیج ایله نیز خوانند و خلیج قلزم نیز خوانند». *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، تصحیح منوچهر ستوده (تهران: طهوری، 1362)، ص 12. دهها نقشه چاپ کشورهای عربی و اروپایی وجود دارد که در آنها نام دریای سرخ، «الخلیج العربی» نوشته شده است؛ برای نمونه، نک: جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه ترکی احمد جودت و زکی مغامر (استانبول: سعادت، 1328ق)؛ *اطلس عربی* (بغداد: مجمع‌العلمی العراقی، 1960). برای دیدن تصویر این نقشه‌ها به نقل از این منابع، نک: ناصر تکمیل همایون، *خلیج فارس: از ایران چه می‌دانم؟* 10 (تهران دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1383)، ص 27 و 121 - 120.

در روزجمعه 5 نوامبر 1993 / 14 آبان 1372 سمیناری تحت عنوان «جزایر عربی خلیج‌العربی و دلایل برخورد و طرح یک راه حل» زیر نظر مرکز پژوهش اروپا و غرب در هتل اینترکنتینانتال پاریس، به ریاست دکتر صالح الطیار، برگزار شد.⁴² در سمینار یاد شده جعفر رائد - سفیر سابق محمدرضا پهلوی در عربستان سعودی و رئیس مرکز پژوهش‌های عرب و ایران در لندن - که او نیز جزو سخنرانان سمینار بود، وی در ضمن سخنرانی خود با اشاره به بخشی از خاطرات خود که مربوط به دوران تصدی وی به عنوان سفیر ایران در کشور عربستان سعودی می‌شد، به شمه‌ای از اختلافات ایران و عراق و توافقنامه 1975 الجزایر اشاره کرد و گفت: «در جریان سفر نخست‌وزیر وقت ایران به بغداد، مقامات عراقی یک مرکز پژوهشی که در آن اعراب برای ثابت کردن عربی بودن نام خلیج فارس گرد آمده بودند را به وی نشان دادند که نخست وزیر ایران در پاسخ گفت، شاید فردا همین کارشناسان در ایران جمع شوند تا ثابت نمایند که نام خلیج، خلیج فارس است.»⁴³ رئیس مرکز تحقیقات دانشگاه سوربن در همین سمینار اظهار داشت: «در سال 1976 در سمیناری که به منظور اثبات عربی بودن نام خلیج فارس از سوی دانشگاه بصره برگزار شده بود، شرکت نمودم. در آن جلسه همکاران عراقی به من گفتند که از این به بعد می‌بایستی از به‌کارگیری لفظ خلیج فارس خودداری و تنها به خلیج عرب اکتفا نمایم. پیرو همین اقدامات، غرب جهت حفظ بیطرفی بعضاً به به‌کارگیری نام خلیج بسنده نمود.»⁴⁴

از نظر یک محقق آلمانی به نام فون ایم هوف،⁴⁵ اعراب به این دلیل به تغییر نام خلیج فارس به 'خلیج عربی' گرایش پیدا کردند، که ایران، ترکیه، پاکستان و کشور ایالات متحده آمریکا در 'پیمان سنتو' متحد بودند و همین دولت‌ها نیز در سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه (RCD)، که خود زیر مجموعه‌ای از سنتو بود، در زمینه‌های اقتصادی و علمی همکاری می‌کردند، و این موارد سبب افزایش بدبینی اعراب شد. آن‌ها گسترش قدرت و تجهیزات نظامی ایران را می‌دیدند. عراق به دلیل الغای یک جانبه «مرز شط‌العرب» توسط

⁴². دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، بولتن 77 (1372)، ص 171.

⁴³. همان، ص 175-176.

⁴⁴. همان، ص 176.

⁴⁵. Christoph Von Imhoff, *Iran * Persien* (Heroldsberg bei Nuernberg: Glock und Lutz, , 1977), pp. 272 .

ایران در آوریل 1969، عصبانی بود و احساس ناامنی می‌کرد. از این‌رو، اعراب ناگهان واژه «خلیج فارس» را که از عصر بابل تا به حال معتبر بوده‌است، به «خلیج عربی» برگرداندند.⁴⁶ پروفیسور اشتاین باخ-⁴⁷ رئیس انستیتوی شرق شناسی هامبورگ-⁴⁸ بر این باور است که اقدام به تغییر نام خلیج فارس صرفاً یک بازی با کلمه نبود، بلکه اعراب بدین وسیله یک دعوی سیاسی را در منطقه بیان می‌کردند. اعراب «عربی بودن» خلیج فارس را با توجه به اهمیت آن برای «ملت عربی» بنا به این دلایل مطرح می‌کردند: (1) نقش ارتباطی خلیج فارس میان عراق و هلال خصیب (حاصل خیز) و نیز بخش‌های شرقی شبه جزیره عربستان؛ (2) اهمیت استراتژیکی آن به عنوان پایگاهی برای حمله علیه جهان عرب؛ (3) اهمیت موقعیت جزایر موجود در خلیج فارس با ساکنان عرب، به‌ویژه بحرین.⁴⁹

در این میان، نباید نقش مأمورین انگلیسی را در تغییر نام خلیج فارس فراموش کرد. ایده تغییر نام خلیج فارس برای اولین بار به‌وسیله دولت‌های عربی نبود که مطرح شد، بلکه سر چارلز بلگریو،⁵⁰ نماینده سیاسی بریتانیا در بحرین بود که در دهه 1930 برای نخستین بار سعی کرد نام تاریخی خلیج فارس را دگرگون کند. وی «برخی دوایر محلی، همانند اداره پست بحرین و خلیج فارس، را تشویق کرد تا نام ساختگی «خلیج عربی» را مورد استفاده قرار دهند، اما با مخالفت شدید ایران مواجه شد و توطئه وی متوقف گشت.⁵¹

البته، وحشت اعراب از توسعه قدرت رژیم شاه، به‌جز دولت عراق که خود همواره مرکزی برای تهدید منطقه به‌شمار می‌رفت، امری خالی از حقیقت نبوده است. دست‌کم آن‌که، پس از سالیان چندی که از آن زمان می‌گذرد، و به دلیل دسترسی به اسناد بایگانی‌های آن دوره، صرف‌نظر از احساسات ملی، می‌توان قضاوت کرد که دولت محمد رضا پهلوی در صدد بود تا با کمک امریکا، قدرت همه‌جانبه خود را در سطح منطقه بسط دهد. این وحشت اعراب از انبساط قدرت ایران، در روزنامه‌های افراطی عربی آن زمان به شکل آشکارتری انعکاس می‌یافت. احمد صوان، در مقاله‌ای با عنوان «ایالات متحده امریکا و پروژه امنیت منطقه» در

⁴⁶. Ibid., pp. 272.

⁴⁷. Uedo Steinbach, "Grundlagen und Bestimmungsfaktoren der Aussen- und Sicherheitspolitik Irans", in: *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP), Forschungsinstitut fuer Internationale Politik und Sicherheit*, Juli 1975. pp. 92.

⁴⁸. Das Deutsche Orient-Institut Hamburg

⁴⁹. Steinbach, pp. 92.

⁵⁰. Sir Charles Dalrymple Belgrave (1894-1969)

⁵¹. پیروز مجتهد زاده، خلیج فارس، کشورها و مرزها (تهران: مؤسسه انتشارات عطائی، 1379) ص 61.

روزنامه‌الثوره چاپ دمشق، ایران را به عنوان ابزاری برای انبساط قدرت امریکا در سطح منطقه می‌بیند و بر این باور است که طرح‌های خاورمیانه‌ای ایالات متحده امریکا در تمام "مناطق عربی" منحصر به تثبیت اراضی اشغالی اسرائیل نمی‌شود، بلکه می‌خواهد موضوع خاورمیانه و حل مسئله فلسطین و دیگر موارد حل نشده این منطقه را، در چهارچوب «امر واقع شده»، انجام دهد.

به زعم روزنامه‌الثوره، هدف دولت امریکا از تأیید و پشتیبانی مداوم از دولت اسرائیل، این بوده‌است که آرمان‌های او را استحکام ببخشد. در منطقه 'خلیج عربی' خود امریکا یا مقامات ایرانی و نیروهای انگلیسی و شرکت‌های نفتی که با او ارتباط داشتند، همکاری نموده و در منطقه جنوبی دریای احمر به توسط دولت اتیوپی وارد عمل شده و به این ترتیب، از 'خلیج عربی' تا دریای احمر و تا شرم‌الشیخ و کانال سوئز ارتباطات و همکاری‌ها را سامان می‌داده‌است.⁵²

اگر چه انبساط قدرت رژیم پهلوی در منطقه حقیقت داشت، اما، این امر به دولت‌های عربی منطقه این حق را نمی‌داد که به منظور مقابله با تهدید ایران، اقدام به تغییر نام خلیج فارس بنمایند. این خلیج، پسوند خود 'فارس' را به اراده محمد رضا پهلوی اخذ نکرده بود، که اعراب برای مقابله با او، به خود اجازه دهند، از خلیج فارس سلب هویت کنند. واژه خلیج فارس، جای نام دریای پارس و خلیج فارس (در منابع عربی: بحر الفارسی / الخلیج الفارسی)، دارای پیشینه تاریخی مستحکم است و بازی قدرت شاهان و شیوخ منطقه قادر نبود صدمه‌ای به اصالت آن بزند. این شیوه مقابله با یک قدرت تهدید کننده در منطقه جز بی‌ثباتی بیش‌تر نمی‌توانست نتیجه دیگری داشته‌باشد. بحث و تلاش‌های دولت‌های عربی در تغییر نام تاریخی خلیج فارس، در راستای اهداف استراتژیکی صورت گرفته‌است. اکنون، این سؤال پیش می‌آید که چنانچه اعراب موفق می‌شدند ادعای خود را به کرسی بنشانند، آیا به کشورهای دیگر، نیز، این مجوز داده نمی‌شد که در راستای اهداف استراتژیک خود، نام مناطق تاریخی را به دلخواه تغییر دهند؟ پس در این صورت می‌توان دریای مدیترانه را به دریای لیبی و... تغییر نام داد؟.

تلاش‌های غیر علمی، اما سیاسی برخی از مقام‌های عربی در تغییر نام خلیج فارس، موجب شد که دولت و مطبوعات ایران در برابر استفاده از واژه 'خلیج عربی' توسط مقام‌های

⁵². روزنامه‌الثوره، شماره 3021 (1/31/1973).

سیاسی عرب، با حساسیت شدید واکنش نشان دهند که در این جا مورد تأمل قرار می‌گیرد. محمد رضا پهلوی، در مصاحبه‌ای با احمد جارالله مدیر روزنامه‌السیاسه چاپ کویت، گفت: درباره‌ی این که خلیج فارس به اسم دیگری نامیده شود، شما حق گفتن چنین مطلبی را ندارید، نه حق تاریخی، نه حق جغرافیائی. کلیه کتب جغرافیائی که در کشور ما و کشور شما و یا در کشورهای دیگر به چاپ رسیده‌است، همگی نام این دریا را خلیج فارس نوشته‌اند. بنابراین، چرا نام دیگری را در سر می‌پرورانید؟ واژه دیگر را اولین بار روزنامه‌تایمز لندن به کار برده بود. اگر شما بخواهید روابط خود را بر اساس تصمیمات یک جانبه که علیه تاریخ و جغرافیا اتخاذ کرده‌اید قرار دهید، بهتر است وارد هیچ‌گونه مذاکراتی نشویم. زیرا، اگر طرز فکر شما تغییر نکند به جایی نخواهیم رسید.⁵³

سفارت ایران در جده، در گزارش‌های سالیانه خود برای سال 1353، تأکید می‌کند که تنها موردی که در سال یاد شده «تأثیر نامطلوبی در روابط دو کشور گذاشت به کار بردن کلمه مجعول به جای 'خلیج فارس' در اعلامیه مشترک عربستان سعودی و امارات عربی متحده بود.»⁵⁴ حکومت عربستان سپس در مقام رفع اثرات سوء ناشی از به کارگیری آن واژه در بیانیه فوق بر آمد و شاهزاده امیر سعود - فرزند 33 ساله ملک فیصل - و شیخ کمال ادهم - مشاور مخصوص ملک فیصل - را به اتفاق چهار نفر همراه در 10 شهریورماه 1353 / 1 سپتامبر 1974 به ایران گسیل کرد. هدف مسافرت این هیئت به ایران ارائه پیام ملک فیصل به شاه ایران و از بین بردن آثار سوء ناشی از تحریف نام خلیج فارس در اعلامیه مشترک عربستان سعودی و امارات عربی متحده بوده‌است.⁵⁵ به این ترتیب، «روابط دو کشور به صورت اولیه عادی گردید.»⁵⁶

برخورد مقامات سعودی با مسئله استعمال نام مجعول 'خلیج عربی' برخوردی دو گانه بود. در مذاکرات رسمی سعی می‌شد به منظور پرهیز از ایجاد تنش صرفاً از واژه 'خلیج' به جای 'خلیج عربی' استفاده شود. گاهی نیز در مصاحبه‌ها، وعده حل مسئله را می‌دادند. امیر سعود که تازه به سمت وزارت خارجه عربستان سعودی نائل شده و توانسته بود تحرکی در

⁵³. مجموعه تألیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، نوشته‌ها و مصاحبه‌های اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی، ج 9 (تهران: وزارت دربار، بی‌نا) ص 7708.

⁵⁴. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 22، پرونده 21، سند 1353/11/9-3654، ص 2.

⁵⁵. همان، کارتن 22، پرونده 21.

⁵⁶. همان، کارتن 22، پرونده 21، سند 1353/11/9-3654، ص 2.

دیپلماسی خارجی عربستان سعودی ایجاد کند، در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان بیان کرد: «با حل نهائی اختلاف‌های ایران و عراق، دیگر نمی‌بایست مانعی در راه پیشرفت سریع به سوی همکاری منطقه‌ای وجود داشته باشد.»⁵⁷ وی، در پاسخ به پرسش روزنامه‌نگار ایرانی مبنی بر این که «آیا کوشش‌هایی که برای گذاردن یک نام جعلی روی خلیج فارس صورت می‌گیرد، مانعی در راه همکاری نخواهد بود؟» توضیح داد: «هنگامی که ایران و عراق توانسته‌اند اختلاف مرزی پیچده را به شکلی دوستانه حل کنند، دلیلی نیست که اختلاف بر سر نام‌ها نیز بر طرف نشود. آنچه اهمیت دارد شکل‌دادن به مناسبات سازنده میان همه کشورهای ساحلی به منظور تقویت صلح به سود همه ماست.»⁵⁸

دو ماه پس از این مصاحبه، سفیر ایران در عربستان سعودی - جعفر رائد - طی گزارشی برای وزارت امور خارجه ایران، بی‌توجهی تعدادی از ادارت دولتی و مطبوعات سعودی در به‌کارگیری از واژه جعلی 'خلیج عربی' را به جای 'خلیج فارس' توضیح داد. کاملاً قابل درک است که استفاده از واژه 'خلیج عربی' در مطبوعات سعودی صرفاً به دلیل بی‌توجهی عمدی مقامات عالی‌رتبه سعودی صورت می‌گرفت. زیرا، مطبوعات سعودی همانند مطبوعات ایران، کاملاً تحت نظارت شدید دولت‌های خود بودند و نمی‌توان فرض کرد که بدون موافقت دولتمردان سعودی، مطبوعات و حتی ادارات دولتی این کشور از آن واژه جعلی استفاده می‌کرده‌اند. در این جا بخشی از گزارش جعفر رائد به تهران، منعکس می‌شود:

همان‌طور که قبلاً به استحضار وزارت متبوعه رسانده‌است، مقامات عربستان سعودی در نظر دارند به تدریج در مکاتبات و نشر اعلامیه‌ها اصطلاح 'جزیره‌العرب' را به کار برند و به تدریج از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون این اصطلاح را جایگزین نام مجعول سازند که وسائل ارتباطی جهان عرب برای 'خلیج فارس' از خود وضع کرده‌اند. مقامات سعودی در مذاکرات رسمی و غیر رسمی اعلام داشته‌اند که تا حصول نتیجه مورد نظر فعلاً فقط به ذکر نام 'خلیج' اکتفا خواهند کرد و همان‌طور که ملاحظه فرموده‌اید در اعلامیه‌های مشترکی که در سفر ملک خالد به کشورهای جنوبی خلیج فارس انتشار یافت، اصطلاح 'جزیره‌العرب' و 'خلیج' مترادف یکدیگر به کار برده شد. با این حال گاه و بیگاه چند نفری از روزنامه‌نگاران سعودی نام 'خلیج فارس' را به صورت مجعول به کار

⁵⁷. روزنامه کیهان، شماره 9834، 23 فروردین 2535، ص 6.

⁵⁸. همان.

می‌برند و یا توسط ادارات و سازمان‌های دولتی نشریاتی منتشر می‌گردد که در آن‌ها همین امر مشاهده می‌شود و در دو مورد تذکراتی در سطوح مختلف به مقامات سعودی داده می‌شود و آنان قول اقدام می‌دهند و اخیراً در یک مورد مشاهده شد که روزنامه *Saudi Gazette* نقشه‌ای را چاپ و نام 'خلیج فارس' را به صورت مجعول چاپ کرده بود. همچنین نشریاتی از طرف اداره آمار سعودی به چاپ رسیده‌است که در نقشه‌های آن نام مجعول به کار رفته‌است. در هر دو مورد به مقامات مربوطه و سردبیر روزنامه تذکر داده شد و قول داده‌اند که از تکرار عمل جلوگیری کنند.⁵⁹

سعودی‌ها به هیچ وجه تا جایی پیش نمی‌رفتند که روابط خود را با ایران تیره سازند. از این رو، مقالات بسیاری در زمینه تأیید سیاست ایران در منطقه خلیج فارس در مطبوعات این کشور نیز منتشر می‌شد.⁶⁰ به هر حال، بر اساس گزارش یاد شده در بالا، مقامات سعودی از جمله عبدالرحمن منصورى - عهده دار معاونت وزارت خارجه سعودی - انتشار گاه و بیگاه نام 'خلیج عربی' را به جای نام تاریخی 'خلیج فارس' در مطبوعات سعودی به خارجیانی نسبت می‌دادند که با روزنامه‌های انگلیسی زبان در این کشور همکاری داشته‌اند.⁶¹ اما، هنوز این پرسش باقی می‌ماند که آیا این خارجیان با بعضی از ادارات دولتی عربستان سعودی، مثل اداره آمار این کشور که در نشریات خود نقشه‌هایی را با استفاده از ترکیب 'خلیج عربی' به چاپ می‌رسانند، نیز همکاری داشته‌اند؟ و اگر داشته‌اند، آیا این نقشه‌ها را بدون اطلاع مسئولان سعودی خود چاپ می‌کرده‌اند؟

موضع‌گیری رسمی دولت ایالات متحده آمریکا، نیز، در قبال به‌کارگیری واژه خلیج فارس، بر اساس سندی که به‌وسیله سرویس اطلاعات آمریکا⁶² در تهران صادر شد، قابل تأمل است. ویلیام کلمنتس،⁶³ قائم مقام وزارت دفاع آمریکا در نطق خود در 6 ژوئن 1973 / 16 خرداد 1352 در شورای کشتی‌سازان آمریکا، از خلیج فارس به عنوان 'خلیج عربی' یاد کرد و همین امر موجب اعتراض در روزنامه‌های ایرانی شد. از این‌رو، ریچارد هلمز،⁶⁴ سفیر کبیر دولت

⁵⁹. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 26/1، پرونده 12، سند 2535/3/16-200/4/1274.

⁶⁰. همان.

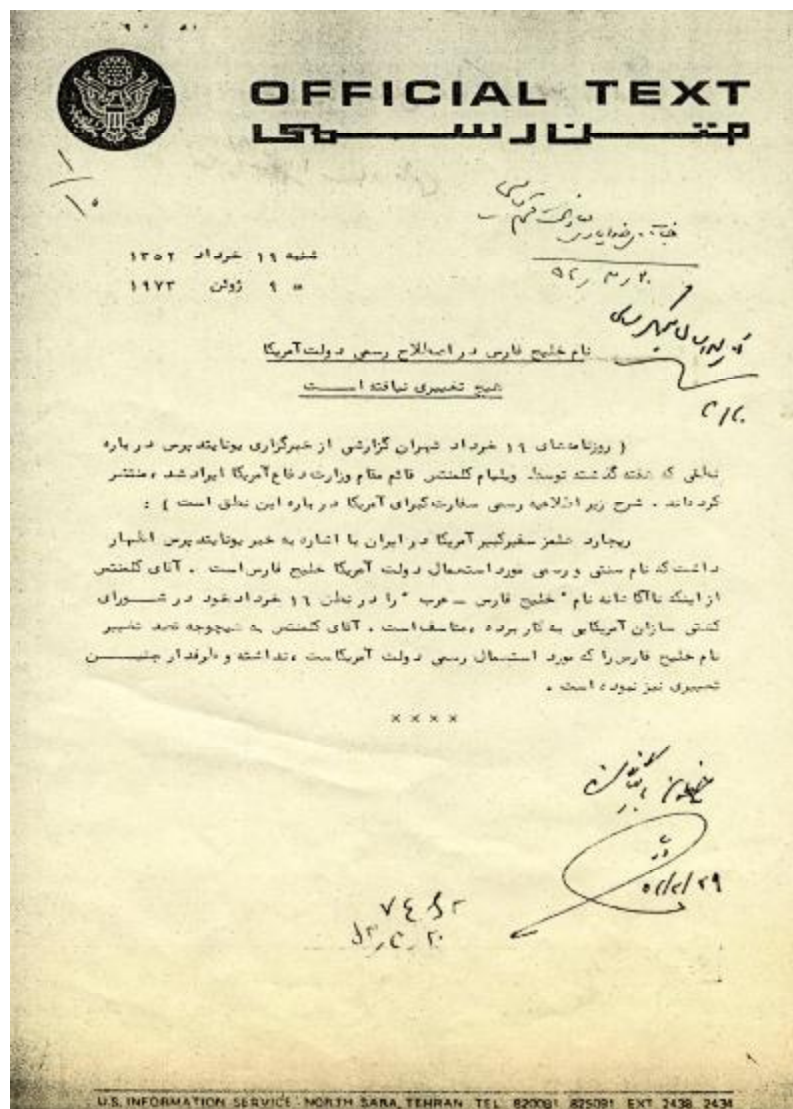
⁶¹. همان.

⁶². U.S. Information Service

⁶³. William Clements

⁶⁴. Richard Holmes

امریکا در تهران در 19 خرداد رسماً اعلام کرد که نام سنتی و رسمی مورد استعمال دولت امریکا 'خلیج فارس' است.⁶⁵



⁶⁵ . سازمان اسناد ملی ایران، سند 1-310-4. همچنین نک، تصویر سند.

در این جا به طرح یکی از موفقیت‌های بین‌المللی برای تثبیت نام خلیج فارس اشاره می‌شود. در فروردین‌ماه 1357 خبرگزاری پارس گزارش داد که اخیراً اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور در ژنو، کنفرانس اداری و رادیویی سرویس متحرک هوایی را برگزار کرد. نماینده دولت عربستان سعودی در این کنفرانس پیشنهاد کرد که لفظ 'خلیج فارس' از متن سند نهائی کنفرانس مزبور حذف شود. سپس نمایندگان کشورهای عربی مانند کویت، سوریه، الجزایر، لیبی، یمن جنوبی، و چند کشور غیر عرب از جمله اندونزی، فیلیپین و سنگاپور از پیشنهاد نماینده عربستان سعودی حمایت کردند. نماینده ایران در این کنفرانس با دلایل و شواهد تاریخی اعلام کرد که حذف واژه خلیج فارس از سند نهائی کنفرانس، عملی غیر معقول است و تأکید کرد اگر قرار باشد اسامی مناطق حذف شود و به جای آن طول و عرض جغرافیائی به‌کار رود، این تصمیم باید جنبه کلی داشته و شامل کلیه مناطق جهان باشد، نه اینکه فقط منحصر به حذف اسم یک منطقه شود. وی همچنین به کنفرانس هشدار داد که در صورت حذف نام خلیج فارس از سند نهائی، نمایندگی ایران به عنوان اعتراض جلسه کنفرانس را ترک و از امضای سند نهائی خودداری خواهد کرد. سرانجام، در نتیجه مذاکرات خصوصی و پافشاری نماینده ایران موافقت شد که نام 'خلیج فارس' عیناً در سند نهائی کنفرانس قید شده و به امضاء مشترک نمایندگان برسد.⁶⁶

مشاجره بر سر تأسیس 'خبرگزاری خلیج'

اندیشه ایجاد یک خبرگزاری برای کشورهای منطقه، بر می‌گردد به سال 1970 میلادی که بانی آن دولت ایران بوده‌است. حسن تهمی - دبیر کل کنفرانس اسلامی - در 24 اسفند 1352 / 15 مارس 1974، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس در تهران توضیح داد که فکر تأسیس یک مرکز خبری اسلامی از ایران بود و آن را در کنفرانس اسلامی سال 1970 در کراچی اعلام کرد.⁶⁷ موضوع یاد شده در کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در جده، در اواخر فوریه 1972 (اواخر دهه نخست اسفند 1350)، نیز مطرح شد. وزیر خارجه ایران - عباسعلی خلعتبری - پیش از عزیمت به جده در یک مصاحبه مطبوعاتی در تهران اعلام کرد: «کار مربوط به تأسیس خبرگزاری اسلامی تا حدودی پیش رفته‌است و صحبت از

⁶⁶. خبرگزاری پارس، بولتن 13 (2537/1/13)، ص 4-5.

⁶⁷. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 22، پرونده 21، سند 3655 - 1353/11/9.

این است که مرکز این خبرگزاری در تهران باشد. ولی، در حال حاضر تصمیم قطعی دربارهٔ چگونگی تأسیس و کار این خبرگزاری گرفته نشده است. ولی آنچه در نظر است، بیش تر، تشکیل اجتماعی از خبرگزاری‌های ملی کشورهای اسلامی است.⁶⁸

با وجود تلاش‌های ایران برای ایجاد یک خبرگزاری اسلامی، کشورهای عربی منطقهٔ خلیج فارس سعی کردند راه خود را در پیش گیرند. در واقع انعکاس رقابت‌های پنهان و آشکار میان ایران و کشورهای عربی دربارهٔ نام تاریخی خلیج فارس و تغییر آن به 'خلیج عربی'، اعراب منطقه در ارتباط با تأسیس یک خبرگزاری، نیز، از همان اصل تغییر نام خلیج فارس پیروی کردند.

هفت کشور عربی حوزهٔ خلیج فارس - کویت، عربستان سعودی، عراق، قطر، امارات عربی متحده، بحرین و عمان - اقدام به تأسیس یک خبرگزاری مشترک کردند. بر اساس خبر مندرج در روزنامهٔ کریستین ساینس مونیتور،⁶⁹ مبتکر اصلی نامگذاری 'خبرگزاری خلیج' کشور کویت بود. اما، در 'اولین کنفرانس وزیران اطلاعات دول عربی خلیج' که در آغاز ماه ژانویه 1976 / 11 دی 1354 تشکیل شد، اصرار دولت عراق، نام 'خلیج عربی' را به جای پیشنهاد کویت، برای خبرگزاری یاد شده به کرسی نشاند. لازم به تذکر است که منابع خبری روزنامهٔ کریستین ساینس مونیتور برخی از شرکت کنندگان در آن کنفرانس بوده‌اند.⁷⁰

اقدام دولت کویت و حمایت شش کشور عربی دیگر برای تأسیس 'خبرگزاری خلیج عربی'، انفجاری در روابط ایران با هفت کشور یاد شده ایجاد کرد. ایران در 7 ژانویه 1976 / 17 دی 1354 سفیران خود را از هفت کشور یاد شده به تهران فرا خواند.⁷¹ این حادثه در مطبوعات ایران انعکاس وسیع یافت. روزنامهٔ رستاخیز نوشت که آنچه که قطعی است این است که ایران می‌خواهد روابط دوستانهٔ خود را با هفت کشور مزبور حفظ کند، اما، اگر آن‌ها مایل به حفظ این روابط نباشند، ایران نیز خیلی زود در سیاست خود نسبت به آن‌ها تجدید نظر خواهد کرد.⁷² روزنامهٔ آیندگان نیز اطلاع داد که سفر پارلمانی گروهی از نمایندگان مجلس سنا به کویت که قرار بود در هفتهٔ جاری صورت گیرد، به دلیل به کارگیری واژهٔ 'خلیج

⁶⁸. خبرگزاری پارس، بولتن 306 یکشنبه 8 اسفند 1350، ص 4.

⁶⁹. *Christian Science Monitor*

⁷⁰. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 24، پرونده 7، سند 1354/11/20 - 25832/25.

⁷¹. *The Middle East Journal*, 1976, No. 30, pp. 209.

⁷². مجله خواندنیها، سال 36 (1354) شماره 36، ص 3.

عربی⁷³ برای خبرگزاری، به تعویق افتاده است. روزنامه اطلاعات طی خبری تأیید کرد که سفیران ایران در هفت کشور سواحل جنوبی خلیج فارس، تا بیستم ژانویه 30/ دی ماه در تهران باقی خواهند ماند.⁷⁴

دکتر محمد عبده یمانی - وزیر اطلاعات عربستان سعودی - در مصاحبه‌ای با روزنامه *الرأی العام*، چاپ کویت، اعلام کرد که تشکیل خبرگزاری از طرف هفت کشور عربی علیه هیچ مقامی نیست و عکس‌العمل ایران نتیجه یک سوء تفاهم است. وی افزود: «شخصاً معتقدم که باید در مورد تأسیس خبرگزاری مطالعات و بررسی‌های بیش‌تری صورت گیرد، زیرا اکنون مراحل اولیه خود را طی می‌کند.»⁷⁵

مطبوعات عمان زیر عنوان یک راه حل میانه برای نامگذاری⁷⁶ آژانس خبرگزاری خلیج⁷⁷ یاد آور شدند که بر اساس گزارش‌های دریافتی از محافل مطلع در تهران، دولت ایران آگاهی حاصل کرده است که سه کشور عربستان سعودی، عراق و بحرین به ایران اعلام نموده‌اند که تصمیم ویژه اطلاق نام خبرگزاری⁷⁸ خلیج عربی⁷⁹ سیاست رسمی آن‌ها را منعکس نمی‌کند.⁷⁶

روزنامه اطلاعات نوشت، عمان، بحرین و قطر صریحاً در مورد وجود یا عدم این خبرگزاری و این که تشکیل آن در سرنوشت آن‌ها تأثیر ندارد، به سفیران ایران توضیح کافی داده‌اند و عراق و عربستان سعودی، نیز، گفته‌اند که به خاطر وجود این خبرگزاری حاضر نیستند روابط خود را با ایران به خطر اندازند و در این میان تنها گزارش‌های مربوط به کویت و اتحادیه امارات عربی خلیج فارس، برای ایران حاوی نکات تاریک است.⁷⁷

به هر حال کارشناسان هفت کشور عرب حوزه خلیج فارس، در 2 بهمن 1354 / 22 ژانویه 1976 به کفتگوهای خود درباره پیشنهاد ایجاد یک خبرگزاری منطقه‌ای پایان دادند و از درگیری با ایران در ارتباط با نام خبرگزاری یاد شده، پرهیز کردند. در بیانیه‌ای که به دنبال

⁷³. همان.

⁷⁴. همان، ص 4.

⁷⁵. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 24، پرونده 7، سند 4860/9 - 1354/11/13

⁷⁶. مجله خواندنیها، سال 36 (1354) شماره 36، ص 3.

⁷⁷. همان، ص 4.

گفتگوهای کارشناسان هفت کشور عربی انتشار یافت، آگاهانه از ذکر نام این خبرگزاری اجتناب شد.⁷⁸

روزنامه کریستین ساینس مونیتور از قول رجال سیاسی عرب نوشت که از نظر سیاسی، پذیرش واژه خلیج فارس برای آن‌ها غیر ممکن است. اکثراً ترجیح می‌دهند از واژه ساده 'خلیج' استفاده کنند.⁷⁹ در همین ارتباط روزنامه یاد شده از قول مقامات عرب در کشورهای خلیج فارس گزارش داد، که نام پیشنهادی برای خبرگزاری یک اشتباه بود.⁸⁰

نتیجه‌گیری

ایران و عربستان سعودی، در محدوده زمانی پژوهش حاضر، در زمره کشورهای متعلق به بلوک غرب به رهبری ایالات متحده قرار داشتند. از این‌رو، منافع ملی و منطقه‌ای آنان به یکدیگر گره خورده بود. بدین‌سان، در مناسبات منطقه‌ای و به‌ویژه هر گاه تنش‌های میان دو کشور به‌وجود می‌آمد، با احتیاط بسیار با یکدیگر برخورد می‌کردند. همین عنصر رعایت جانب احتیاط، سبب می‌شد که مسئولان سیاسی دو کشور راجع به آنچه که باید در مطبوعات انعکاس یابد با دقت مراقب مندرجات روزنامه‌ها باشند. در واقع روزنامه‌ها مطالبی را درج می‌کردند که دولتمردان سیاسی دو کشور از آنان می‌خواستند. به این ترتیب دو دولت ایران و عربستان سعودی به مطبوعات کشورهای خود اجازه نمی‌دادند، به اخباری که می‌توانست روابط دو کشور را در وضعیت نامطلوبی قرار دهد، پر و بال دهند.

سفارت ایران در جده، نقش بسیار مهمی در ایجاد توازن در روابط دو کشور بازی می‌کرد و مناسبات مسئولان آن با جامعه مطبوعاتی عربستان سعودی نزدیک و همواره دوستانه بود. در واقع، غیر از این هم نمی‌توانست باشد، زیرا مطبوعات دو کشور فاقد شخصیت مستقل بوده و در سیطره تصمیمات مردان اهل سیاست بودند. بنابراین، آنچه که در ارتباط با روابط دو کشور در مطبوعات آنان انعکاس می‌یافت، صورتی ساده و به شدت تصنعی از امر روزنامه‌نگاری داشت.

⁷⁸ خبرگزاری پارس، بولتن، 521 (1354/11/3)، ص 5.

⁷⁹ مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن 24، پرونده 7، سند 1354/11/20 - 25832/25

⁸⁰ همان.

برخی از شرق‌شناسان، مانند اودو اشتاین باخ تفاوت‌های مذهبی میان ایران و عربستان سعودی را از عوامل مزاحم و ایجاد ناپایداری در روابط دو کشور تلقی می‌کرده‌اند، حال آن‌که چه در اسناد بایگانی‌های مورد استفاده و چه در سطح مطبوعات دو کشور، در چهارچوب زمانی این تحقیق، نگارنده حتی به یک مورد بر نخورد که تفاوت‌های مذهبی در دو کشور، مناسبات میان دو دولت را تحت تأثیر قرار دهد.

کتابنامه

- تکمیل همایون، ناصر. خلیج فارس (از ایران چه می‌دانم؟/ 10). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1383.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: طهوری، 1362.
- خبرگزاری پارس، بولتن 306 یکشنبه 8 اسفند 1350.
- خبرگزاری پارس، بولتن 13 - 2537/1/13.
- خبرگزاری پارس، بولتن 521-1354/11/3.
- خبرگزاری پارس، بولتن 65 - 2535/3/3.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، بولتن 77. تهران: وزارت امور خارجه ایران، 1372.
- روزنامه اطلاعات. 6 فروردین 1354.
- روزنامه الثورة. چاپ دمشق، شماره 3021 - 1973 / 1/31.
- روزنامه رستاخیز. 4 خرداد 2535.
- روزنامه کیهان. 9 فروردین 1354 و 1355/1/23.
- سازمان اسناد ملی ایران، سند 1-310-4.
- مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی (آرشیو)، رده 380-32-955 الف، ثبت 266.
- مجتهدزاده، پیروز. خلیج فارس. کشورها و مرزها. تهران: مؤسسه انتشارات عطائی، 1379.
- مجله خواندنیها. سال 29، شماره 6.
- مجله خواندنیها. سال 36 (1354) شماره 36.

مجموعه تالیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، نوشته‌ها و مصاحبه‌های اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی.
جلد 9. تهران: وزارت دربار، بی‌تا.

محقق، علی. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (1304-1357 ه-ش). تهران: مرکز اسناد و تاریخ
دیپلماسی [وزارت امور خارجه ایران]، 1379.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 16/1، پرونده 15، سند 3759-1348/12/3، ص 5.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 26/1، پرونده 11، سندهای 104-2535/2/26 و 568-
2535/4/4

302 - 2535/3/7 و 966 - 2535/3/6.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 26/1، پرونده 12، سندهای 1274-200/4/1274 - 2535/3/16 و
2535/11/20-100/4/5060 (گزارشات سالیانه 1355).

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 27/1، پرونده 34، سند 2003/12/800 - 2535/5/20.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 20، پرونده 14، سندهای 3369-1351/11/11 و 3407-
1351/11/10 و گزارشات سالیانه 1351.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 22، پرونده 21، سندهای 3654-1353/11/9 و 3655-
1353/11/9.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن 24، پرونده 7، سندهای 25-25832/25 - 1354/11/20 و
4860/9 - 1354/11/13.

Arab News, May 18. 1976.

Archiv der Gegenwart vom 29. Maerz 1975, S. 19343

Holden, David and Richard Johns. *Die Dynastie der Sauds. Wüstenkrieger und Weltfinanziers*. Düsseldorf/Wien: ECON Verlag, 1983.

Steinbach, Uedo. "Grundlagen und Bestimmungsfaktoren der Aussen-und Sicherheitspolitik Irans," in *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)*,
Forschungsinstitut für Internationale Politik und Sicherheit, Juli 1975.

The Middle East Journal, No. 30, 1976. pp. 209.

Imhoff, Christoph Von . *Iran * Persien*. Heroldsberg bei Nuernberg: Glock und Lutz, , 1977.

